

نمود و با رفیق خود مشغول صحبت شد در ضمن پرسید آیا از قرآن چیزی حفظ کرده آن رفیق گفت بلی گفت تلاوت کن رفیق شروع بخواندن نمود گفت و الزبتون و طور سینین الخ اعتراض بر رفیق نموده که والتین را چرا ادا نمودی رفیق گفت در زیر دامن شما پنهان شده * زیرا تین عبری بمعنی انجیر است * ناچار انجیر را از زیر دامن بیرون آورده با رفیق مشغول خوردن شدند

بیت

نگاه شش جهت و دل به پیش دلدار است سخن مهر که کنم روی حرف با یار است

(عمانوئیل)

(عمانوئیل) ای آقای من نصیحت و تذکیر شمارا بگوش جان اصفا نموده و اطاعت مینمایم لکن سؤال دیگری دارم که مرتبط است با این آیه از توریة (پس خدا روز هفتم را مبارك خواند و آن را تقدیس نمود) و آنسؤل اینست در کتاب [الهدایة والتوریة] که باقدام جماعت مرسلین امریکائی طبع شده در جزء چهارم در صفحه ۱۷۴ در سطر ۴ چنین رقم یافته که در توریة خداوند نفرموده پس خدا روز هفتم را مبارك خواند و آنرا تقدیس نمود حال اینگونه انکار صریح از طرف جماعت فرستاده شدگان و بشارت دهندگان و خواننده گان بسوی راستی و احتراز از دروغگوئی چگونه بر توریة واقع شده و از چه راه آنرا طبع و در اقطار عالم نشر داده اند. آیا گمان کردند که مردم التفات به آیه ۳ از باب ۲ از سفر تکوین ندارند و مسبوق بآن نیستند آیا این انکار از طرف این جماعت جنایت بزرگی نیست که بعالم روحانیت مسیحیین وارد گردیده (قس) ایفرزند بسبب نمایش ظاهری

و اسم جمعیت مغرور نشو ما خود از آنجا آمده ایم و بخوبی از حقایق مطالب مطلع
 و مسبق هستیم بخوان تورا یه را [عمانوئیل] خواندم در آیه هشتم تا پانزدهم
 چنین رقم یافته (پس خداوند خدا آدم را از خاک زمین برشت و در بینی وی
 روح حیات دمید و ادم نفس زنده شد * و خداوند خدا باغی در عدن بطرف
 مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت * و خداوند خدا
 هر درخت خوش نما و خوش خوراک را از زمین رویانید و درخت حیوة در وسط
 باغ و درخت معرفت نیک و بد را * و نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سبز آب
 کند و از آنجا منقسم گشته چهار شعبه شد * نام اول فیشون است که تمام زمین
 حویله را که در آنجا طلائع است احاطه میکند * و طلای آنزمین نیکو است و در
 آنجا مروارید و سنگ جزع است * و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین کوش را
 احاطه میکند * و نام نهر سوم حدقل (دجله) که بطرف شرقی آشور جاری
 است * و نهر چهارم [فرات] -) پس گفتیم ای آقای من آیا رخصت میدهی
 که راجع باین آیات سؤال کنیم (قس) سؤال کن آنچه میخواهی (عمانوئیل)
 آیا این عدن که در این آیه از توریة و در کتاب اشعیا در آیه ۳ از باب ۱۵ و در
 کتاب حزقیال در آیه ۹ از باب ۳۱ و در کتاب یوئیل در آیه ۳ از باب ۲ نیز
 مذکور است آیا همین عدن معروف است که در زمین یمن بر بونغاز باب المنند
 واقع است [قس] ظاهراً همین عدن باشد [عمانوئیل] ای آقای من دجله از
 جبال ارمن خارج میشود و در خلیج فارس قریب بصره ریخته میشود و فرات از
 بلاد ارض روم خارج و در خلیج فارس نیز داخل میشود و از روی جغرافیا بعد فوق
 العاده بین جبال ارمن و ارض روم و عدن استفاده میشود دلینا قسمیکه در توریة
 ذکر شده بهیچ وجه مطابقت با محسوس ندارد (قس) حق بانو است لکن باید

اعمال نظر و فکر شود و راهی برای مطابقت آن پیدا کرد چه که نمیتوان آنچه را که مذکور در توریة است حمل بر خلاف و غلط نمود عزیز من بخوان

(نهی آدم از شجره)

﴿عمانوئیل﴾ پس خواندم از آیه ۱۵ از باب ۲ تا آیه ۸ از باب ۳ از سفر تکوین که حاصل آن اینست که (خداوند قرار داد آدم را در باغ عدن و با او گفت از تمام درختان باغ آنچه بخوری باکی نیست و اما درخت معرفت نیک و بد پس از آن نخوری چه که هر زمان از آن بخوری خواهی مرد پس خلق کرد خداوند از آدم زن او حواریا و هر دو عریان بودند و خجالت نمیکشیدند زیرا شعور تمیز نیک و بد را نداشتند و مار مکار ترین حیوانات بر روی بود بخوا گفت که از روی حقیقت خداوند گفته از هیچ یک از درختان باغ نخورید حوا گفت از همه درختان میخوریم اما از میوه درختیکه وسط باغ است خداوند نهی فرموده است که دست باو برنیم مبادا بمیریم پس مار بخوا گفت بدست زدن یا خوردن از میوه آن درخت نخواهید مرد لیکن خداوند دانست که هر گاه از آن بخورید چشم شما باز میشود و مثل خداوند عارف بنیک و بد را میشود چون آدم و هوا از میوه آن درخت خوردند چشم آنها باز شد و معرفت بنیک و بد را درک کردند و ملتفت شدند که عریان هستند پس از برای خویش ساتر عورت ساختند

﴿عمانوئیل﴾ چون باینجا رسیدم از روی انضجار توریة را بر هم گذاردم و بزمین نهادم در حالت بهت و حیرانی چه که در هر یک از اینگونه موارد منتهی میشدم این حالت حیرت و بهت و انضجار مرا عارض میشد ﴿قس﴾ ترا چه میشود عزیز من که نمیخوانی . چرا مبهوت و حیرانی

﴿عمانوئیل﴾ آبار خست میدهد که با آزادی لسان سؤال کنم
 زیرا من حضور خود را در محضر شما غنیمت می‌شمارم برای استفاده و ازاله شبهات
 و شكوك که فکر مرا مشوش و مشغول ساخته بدستیکه من بحسب دیانت این توریة
 را کتاب آسمانی خداوندی میدانم که پیغمبر او موسی (ع) آورده و هر زمان
 که نظرم ببعضی مطالب و مضامین آن میفتد این حیرت و اغتشاش حال که مشاهده
 میفرمائید مرا عارض میشود (الیعاذر) ای کم ایمان آبا در کتاب خداوند شك
 و شبهه هست و جای حیرت است من بسی متأسف هستم که ترا واگذاردم و مجالست
 با مسلمانها نمودی و نظر در کتب آنان کردی چه که همین مطلب تو را در محصه
 انداخته و طرق واضحه را که پیشینیان مهیسا کرده اند از دست تو داده است
 ﴿عمانوئیل﴾ ای پدر محترم در حال طفولیت من از رفتن بمکتب کوناهی می نمودم و
 شما مرا سرزنش میفرمودید که جاهل و بی سواد تمام پس میخواستید مرا بحال
 خود واگذارید تا بهمان طریق ساده عوامی پیر وی دین پیشینیان خود تمام و ابداً
 اطلاع از کتب و مذاهب حاصل ننمایم یا میخواستید مرا بمکتب طبیعیین بفرستید
 تا بکلی از طریق دین و مذهب بی اطلاع بمانم حال که چشم مرا باز نموده اید و
 مرا با سواد تربیت داده اید رخصت دهید تا از روی حقیقت بینا شوم و راه حق را
 پیدا کنم [قس] ای الیعاذر عزیز من سزاوار نیست در جواب شبهات سرزنش
 کنی بلکه باید بیان شافی رفع شبهه نمود پس واگذار عمانوئیل را تا بحث از حقایق
 کند و از روی بصیرت در دیانت قدم گذارد تا چشم تو روشن گردد (عمانوئیل)
 ای پدر محترم از این سرزنش و توبیخ شما کشف میشود که شما هم در این موارد در
 شبهه واقع شده اید پس شما هم با من شریک و همراه شوید تا در مقام توضیح حقایق

برائیم ﴿البعاذر﴾ فرزند عزیز آنچه میخواهی تکلم کن و سؤال نما و بر تو باد
احتراز از لجاج و عناد (عمانوئیل) آیا در ذات خداوندی کذب و خدعه و مکر
یافت میگردد [قس] حاشا و کلاً (عمانوئیل) چگونه خداوند میگوید بآدم که
از درخت معرفت نیک و بد نخورید زیرا هر زمان بخورید می میرید و حال آنکه
آدم از آنشجره خورد و نمرد و چگونه این کلام در توریه کذب و تهمت بخداوند
نمی باشد آیا آقای من قس و پدر مهربانم البعاذر راضی میشوند که مار را ستکوتر
باشد از خداوند چه که توریه چنین ناطق است که مار بجوا گفت که بخور دن از
این درخت نمی میرید بلکه خداوند دانست که اگر از آن بخورید چشمتان باز و
عارف بنیک و بد میشوید و نیز توریه صدق مار را بیان میکند و میگوید که چون
آدم و حوا از میوه آن درخت خوردند چشم آنها باز شد و فهمیدند که برهنه هستند
ای آقایان من چه جواب دهم اگر بگویند که توریه شما نسبت دروغ و مکر و حيله
بخداوند داده است و نسبت راستی و نصیحت را بمار داده ای آقایان من خواب
دیدن یوحنا در آیه ﴿۹﴾ از باب ﴿۱۲﴾ ذکر شده و مشعر بر این است که
آن مار که سبب اغوای آدم و حوا شد همان است که حالا باو ابلیس میگویند
که عالمی را گمراه کرده و مینماید ﴿وا فضیحتاه﴾ بقیه دارد

